

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۵-۴۴۰
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۲ • ۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۲ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۹۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰۸ • ۱۲:۰۰۸ اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۰۷ • طلوع آفتاب ۴:۵۳

شرق

دیالوگ روز

من افسانه هستم - فرانسیس لارنس-۲۰۰۷

نویل (ویل اسمیت): باب مارلی به نظریه جالبی داره. میگه تو می‌تونی نژادپرستی و نفرت رو درمان کنی، اگه فقط بتونی به زندگی آدم‌ا موسیقی و عشق تزریق کنی. به روز وقتی که قرار بود بره روی به فستیوال صلح برنامه اجرا کنه به نفرزت تو خونه‌ش و بهش شلیک کرد. دو روز بعد باب مارلی دوباره رفت روی استیج. وقتی ازش سؤال کردن که با این حال و روزت برای چی اومدی، اینجا جواب داد: آدمایی که سعی می‌کنن دنیا رو به جای بدتری تبدیل کنن، حتی به روز هم دست از کارشون برنمی‌دارن. من هم همین‌طور. من می‌خوام به نور باشم نوی تاریکی.

یادداشت

بازار مکاره فروش پایان‌نامه و مقالات علمی



بیژن جهانگیری
استاد دانشگاه تهران

ماجرای فروش پایان‌نامه و مقالات علمی هنوز ادامه دارد. در پایتخت، ستاد اصلی فروش، میدان انقلاب است و محدوده اطراف دانشگاه و البته سایر شهرها و دانشگاه‌ها بساط مستقل خود را دارند. در آگهی‌ها اعلام شده که پایان‌نامه فوق‌لیسانس (ارشد) ودکترا ونیز مقالات پژوهشی با تضمین چاپ در مجلات خارجی در کوتاه‌ترین مدت تهیه و تحویل می‌شود. قیمت‌ها هم بسته به نوع خدمت مورد تقاضا متفاوت است و مناسب. معمولاً شماره تلفن تماس هم به صورت نوارهای متعدد، ضمیمه آگهی الصاقی است. بازیگران سناریو عبارت‌اند از عرضه‌کنندگان این خدمات فرهنگی و دانشجویان متقاضی و استادان محتاج مقاله علمی چاپ خارج به منظور تکمیل پرونده ارتقای مرتبه دانشگاهی یا اداری و استادان راهنما و مدیریت‌های سطوح مختلف آموزش عالی و اکابر سیاست‌گذاری‌های علمی کشور. در یک نگاه کلی و جامع، این داووستند دارای منافع و مضاری است که شرح مختصر آن خواهد آمد. ابتدا می‌پردازیم به منافع. عرضه‌کنندگان کارآفرینان فرهنگی هستند که با به‌کارگیری دانشجویان نخبه سال‌های آخر تحصیلات عالی یا فارغ‌التحصیلان زبده و توانمندی که از دانش علمی و تجربه فراوان و تسلط به زبان خارجی (انگلیسی) برخوردار هستند، به عرضه این خدمات می‌پردازند. آماري از شمار این افراد در دست نیست؛ اما به‌رحال گروهی از فریختگان باتجربه کشور هستند که در زمینه خدمات فرهنگی اشتغال دارند. همراه کسب درآمد و امرار معاش. دانشجویان متقاضی، قشری معدود از جوانانی هستند (مجرد یا متأهل) که در مسیر آموزش عالی به مشکلاتی برخوردده و از گروهی توانمند، در ازای مبلغی نسبتاً مختصر، کمک گرفته و با مساعدت ایشان به اخذ مدرک تحصیلی ناآل می‌شوند. بدیهی است داشتن مدرک در پیداکردن کار و شغل مناسب و مشارکت در تولید و ازدواج و تشکیل خانواده و رسیدن به یک زندگانی کم‌بیش مرفه در مسیر ادامه خدمت به جامعه‌دارای اهمیت حیاتی است. به موجب مقررات موجود لازم و واجب است که هیئت علمی برای ارتقای مرتبه از استادداری به دانشیاری و سپس استادی و نیز برای گرفتن رتبه سالانه اداری، در کنار خدمات آموزشی و سایر خدمات نسبتاً مربوط، فعالیت مدون پژوهشی هم داشته باشند که شاهد عینی آن چاپ مقاله در مجلات خارجی است. هرچند چاپ مقاله خارجی امری است متداول، اما در مواردی مشکل می‌نماید. کمک به این اکابر ارجمند در حل مشکل باعث آراش خاطر ایشان و رفع ممانعت از ترفیع شده و به تسهیل طی طریق در مسیر خدمات دانشگاهی می‌انجامد. عده‌ای از استادان راهنما هم به علت اشتغالات متعدد شخصی و محدودیت در داشتن وقت آزاد و نداشتن فرصت کمک مداوم به دانشجویان، از اینکه امر پایان‌نامه و چاپ آن از سوی گروهی مساعدت‌کننده به سامان برسد، احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. نگاه مدیریت‌های آموزش عالی هم طبیعتاً نتیجه‌محور بوده و ایشان هم علاقه‌مند به استفاده از دروکردن خرم محصولات به بار نشسته و ضمیمه‌کردن آن به کارنامه فعالیت‌های حوزه مدیریتی خود هستند. و چنین است که «رضایت همگان» حاصل می‌شود؛ اما این چرخه تولید «شبه‌دانش» بدون نقص نبوده و انتقادی چند بر آن وارد است، به این شرح: هدف پایان‌نامه یا انتشار مقاله علمی تمرینی است برای گسترش علم. نمی‌توان انجام این تمرین را به دیگری واگذار کرد. می‌گویند در مثل مناقشه نیست، می‌خواهیم تیم وزنه‌برداری را به مسابقات آسیایی اعزام کنیم. اگر به‌عنوان استراحت اعضای تیم از گروهی جوان نیرومند تقاضا کنیم به عوض آن اعضا به تمرین روزانه بپردازند، نقض غرض کرده‌ایم. در چنین حالتی شاید مناسب‌تر باشد، همان تمرین‌کنندگان را به‌عنوان اعضای تیم به مسابقات اعزام کنیم. به عبارت دیگر اگر فردی از جوانان مستعد در رشته‌ای مثلاً جغرافیا آن چنان تبحر دارد که می‌تواند پایان‌نامه مطلوب و ارزشمند تهیه و چاپ کند، همان فرد را به‌عنوان عضو هیئت علمی استخدام کنیم. نفس انتشار این آگهی که «من به جای تو درس می‌خوانم و ضمانت می‌دهم قبول بشوی» نامطلوب است. بسیاری از اعمال را نمی‌شود «وکالتی» انجام داد. تو نمی‌توانی به جای من غذا تناول کنی یا به جای من شعر به خاطر بسیاری یا به جای من پیاده‌روی کنی. تو نظم و نظام و اصول آموزش و آموزش عالی را تخریب می‌کنی. در آن مثال مسابقات آسیایی ما و سایر کشورها با فدراسیون‌های ورزشی مربوط طرف هستیم. مرتباً رفتار و کردار ما را رصد می‌کنند و ناصوابی‌ها را در سطح منطقه و جهان گزارش می‌کنند. رفتار ما در صحنه رقابت‌ها و فعالیت‌های علمی هم مرتباً در حال رصدشدن است و سپس گزارش آن در انتشارات بین‌المللی. تو حق نداری آبروی علمی کثیری از جوانان جوانی علم و استادان دانشگاه را که صادقانه در خدمت علم و در خدمت کشور هستند، خدشه‌دار کنی. هرچند بر همگان فرض است که به مقابله با این پدیده بپردازند؛ اما وزن مسئولیت گروه‌های مربوط برابر و یکسان نیست و البته قانون رأس مسئولیت را مشخص کرده است. به نظر نگارنده، این سطور مرجریان محترم قانون به مراتب فوق ووقف کامل داشته و دارند و در مقابله با این پدیده به توفیق‌های نسبی هم دست یافته‌اند؛ اما به دلیل ادامه عینی این فعالیت شایسته است گروه‌های دیگر دست‌اندرکار از قبیل سازمان‌های ناظر مانند شورای انقلاب فرهنگی و فرهنگستان و مدیریت‌های دانشگاه‌ها و استادان راهنما و به‌ویژه گردانندگان وسایل ارتباط جمعی هم مشارکت مداوم در چاره‌اندیشی عملی و ارائه رهنمودهای مؤثر و منصفانه در حل این معضل فرمایند. بر نوادگان شیخ‌الرییس ابوعلی سینا است که به اجرای وصایای آن بزرگمرد در تکریم علم و خرد و پالایش آن از ناصوابی‌ها بپردازند.

●

فریماه فرجامی بازیگر بی تکرار سینمای ایران در ۷۱ سالگی درگذشت

ستاره خفته

شرق: «پدر، بیماری منحوس من از مادر جداش کرد؛ پدر از درد جدایی مرد. مردای زندگی من همه بزرگوار بودن. طالع نحس من شوم‌بختشون کرد». دیالوگ‌های موزون علی حاتمی بر زبان فریماه فرجامی جوان و زیبا در فیلم «مادر» مامهنیر قصه را به یکی از به‌یادماندنی‌ترین نقش‌های فرجامی بدل کرد.

بازیگری که برای نخستین بار سال ۵۹ مقابل دوربین سینما ظاهر شد و در اولین حضورش در سینما نقش یک زن لهستانی را ایفا کرد. شقوق نخستین بازی مقابل دوربین سینما برای او چندان پایدار نبود. فیلم توقیف شد. بخت یارش نبود که «خط قرمز» مسعود کیمیایی درست زمانی ساخته شد که قانون حجاب در سینما به تصویب رسید و این فیلم به دلیل نداشتن حجاب اسلامی به مدت ۲۷ سال توقیف شد؛ اما درست چهار سال بعد از این فیلم، فرجامی بار دیگر مقابل دوربین کیمیایی رفت و «تیغ و ابریشم» را بازی کرد. بلافاصله پس از آن بازی در «اجاره‌نشین‌ها»، «بی‌پناه» و «سرب» به او عنوان ستاره سینمای ایران را داد و «مادر» مهر تائیدی بر توانایی و جایگاه او بود. واروز کریم‌مسیحی دیگر کارگردان یگانه سینمای ایران، نقش فروغ‌الزمان «برده آخر» را به فرجامی سپرد؛ نقشی که برایش سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن را به‌همراه داشت.

جایگاه فریماه فرجامی در اواخر دهه ۶۰ تثبیت شده بود. دیگر به همگان ثابت شده بود، توانایی او منحصر به چهره زیبایش نیست. او بازیگری بود با ویژگی‌های منحصره‌فرد، باهوش و دقیق که در پس هر نقشی می‌توان اثر انگشت او را دید. بازیگری با لحن و گفتاری خاص و نگاه‌هایی که حتی در سکوت حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. رخشان بنی‌اعتماد و فرجامی «نرگس» را خلق کردند. نقشی که بار دیگر نگاه‌ها را به فرجامی معطوف کرد. این فیلم را می‌توان نقطه اوج بازیگری فرجامی دانست. او زنی را تصویر کرد که هم‌زمان مادر بود و معشوق و بی‌ترید هیچ بازیگری به‌جز فرجامی نمی‌توانست ظرافت این نقش را تصویر کند. او در دهه ۷۰ کمربیش مقابل دوربین کارگردان‌های سینمای ایران ظاهر شد. پس از آن با شدت‌گرفتن بیماری و انتخابش برای حضورزیافتن مقابل دوربین باعث شد بسیاری از شرایط زندگی او بی‌خبر بمانند.

به یقین که با وجود کارنامه درخشانی که از او به یادگار مانده، او از قدرناپذیده‌ترین بازیگران سینمای ایران است. فرجامی خیلی زود با سینما خداحافظی کرد و خاطرات

موسیقی خوانی

حمله به کنسرت در سیرجان

ایسنا؛ شامگاه جمعه، نهم تیرماه، در سینما قدس سیرجان عده‌ای ناشناس که چهره خود را پوشانده بودند، با قمه به کنسرت «گرشا رضایی» که در حال برگزاری بود، حمله کردند. در جریان این اتفاق دو نفر زخمی شدند و پلیس وارد عمل شد.

دستگیری یک عامل

طبق خبری که ایسنا ساعت ۱۴:۵۶ روز شنبه منتشر کرد، فرمانده انتظامی سیرجان از دستگیری عامل اصلی نزاع خبر داد و گفت: «سه نفر قصد ورود به سینما قدس سیرجان برای تماشای کنسرت بدون خریداری بلیت را داشتند که از سوی عوامل ورودی و نگهبانی از ورود آنها جلوگیری شد. پس از بحث و ایجاد تنش شکل‌گرفته بین این افراد و عوامل سینما تعدادی از شیشه‌های ورودی سینما به دست آنها تخریب شد.»

سرهنگ امیر سبکتی خبر داد: «با پیگیری‌های اطلاعاتی پلیس، عامل اصلی این نزاع دستگیر شد و در راستای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد. اقدامات پلیس برای شناسایی و دستگیری سایر عوامل دخیل در این حادثه ادامه دارد.»



● بادهای ۱۲۰روزه در سیستان و طولانی شدن خشک‌سالی تالاب بین‌المللی هامون در شمال سیستان وبلوچستان خروارها خاک را به سوی منازل مسکونی روانه و زیست مردم را سخت کرده است
عکس:حامدغلامی،ايرنا

نشانه‌خوانی

مقابله با کاهش سرعت اینترنت فرمالیته است؟



پویا نعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

در خبرها آمده بود که رئیس‌جمهوری کارگروهی از مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات را مأمور کرده تا موضوع کندی اینترنت را بررسی و حداکثر تا یک ماه آینده نتیجه بررسی و راهکارهای رفع دغدغه‌های مردم را ارائه دهند. به‌طورکلی تصور زندگی بدون اینترنت ممکن نیست. بسیاری از امور خرد و کلان در زمینه‌های اینترنتی انجام می‌شود؛ اما در برخی اوقات سوءکارکرد این ابزارها از عدم کارکرد آنها آزرادهنده‌تر است. حوزه‌هایی مانند خرید، تفریح، ارتباطات، امور تجاری و امثال آنها در همین راستا هستند. سرعت اینترنت موجب اختلال در فعالیت‌های مزبور شده و توان و طاقت و حوصله افراد را طاق می‌کند.

این را که در وهله اول رئیس‌جمهوری محترم قبول کرده که سرعت اینترنت کاهش داشته است، باید یک حرکت رو به جلو دانست. معمولاً این‌گونه ادعاهایی که از جانب عموم مطرح می‌شود، در همان قدم اول مورد انکار قرار گرفته و مدعیان در مظان اتهام سیاه‌نمایی واقع می‌شوند. با این اوصاف به دفعات مختلف سرعت اینترنت کاهش داشته است. وزارت ارتباطات موضع شفاف‌ی درباره این موضوع ندارد. وزیر مربوطه حتی ادعا کرده که به گواه سرعت‌سنج نصب‌شده در دستگاه‌های الکترونیکی دفتر او، سرعت اینترنت بسیار هم خوب است؛ اما تجربه بسیاری از کاربران نمی‌تواند این ادعای وزیر را ثابت کند.

درباره تجربه این چندروزه اخیر، ابتدا قرار بود تقصیر به گردن یکی از خطوط انتقال اینترنت که از کشورهای همسایه عبور می‌کند، انداخته شود. با آنکه انتظار می‌رفت این ایراد به‌سرعت مرتفع شود؛ اما چنین نشد. به‌همین‌خاطر اعتراضات بالا گرفت و این‌بار رئیس‌جمهوری به قضیه ورود کرد. با آنکه اساساً امور مرتبط با سرعت اینترنت باید در حوزه فعالیت‌های وزارت ارتباطات باشد، (چنان‌که مطالبه عموم و هرگونه توضیح در این باره هم تا سوی همین وزارتخانه است)؛ ولی چرا این‌بار رئیس‌جمهوری به مرکز ملی فضای مجازی هم دستور داده وارد کود شود؟

یک پاسخ احتمالی این است که وزارت ارتباطات به‌هیچ‌وجه نه زیر بار پذیرش کندی سرعت اینترنت می‌رود و نه اینکه توضیح درست و درمانی برای وضعیت موجود ارائه می‌دهد. به‌همین‌خاطر دستگاه دیگری نیز در کنار این وزارتخانه مأمور بررسی قضیه شده است.

از سوی دیگر به این کارگروه یک ماه مهلت داده شده تا «نتیجه بررسی» و «راهکارهای رفع دغدغه‌های مردم» را ارائه دهند. واقعیت آن است که مردم هیچ نیازی به نتیجه‌های بررسی یا راهکارهای مزبور ندارند. مردم بابت کندشدن سرعت اینترنت گلایه داشته و فقط خواستار افزایش سرعت آن هستند. همین که برای چنین موضوعی مهلت یک‌ماهه تعیین شده، حاکی از آن است که نباید طرفی به نتیجه‌بخش‌بودن این «بررسی» و «راهکارهای» برآمده از دل این کارگروه بست؛ کم‌البتیکه در عصر سرعت، چنین مهلتی به معنای فرمالیته‌بودن است اما یک دلیل دیگر نیز می‌تواند ادعای موصوف را تقویت کند. با بررسی بیشتر خبرگزاری‌های حامی دولت به‌راحتی قابل مشاهده است که موضوع کاهش اخیر سرعت اینترنت اساساً برای این خبرگزاری‌ها دغدغه مهمی نبوده و پوشش خبری خاصی هم پیدا نکرده است. در صفحات مرتبط این خبرگزاری‌ها بارها خبرهایی با محوریت توسعه شبکه‌های ارتباطی و اینترنت و فیبر نوری به روستاها و شهرهای دور و نزدیک منتشر شده است. تنها خبر مرتبط در خبرگزاری رسمی کشور در ذیل انتشار خبر دستور اخیر رئیس‌جمهوری، مربوط به سال ۱۴۰۰ است که در آن دولت خود را متعهد به تأمین اینترنت باکیفیت و پرسرعت برای مردم دانسته است. بنابراین وقتی پرداختن به موضوع کندی سرعت اینترنت در دستور کار خبری رسانه‌های حامی دولت نباشد، طبعاً هیچ سازوکاری برای حل‌وفصل به آن در وجوه دیگر موضوعیت ندارد. به بیان دیگر این کارگروه در پایان بررسی‌های خود چه بسا نتیجه بگیرد که سرعت اینترنت به نسبت «قبیل» و «نهاد» و «قرارگاه» برسد، آن‌گاه محتمل ادعایی دال بر کاهش سرعت اساساً بلاموضوع است.

به‌طور مشخص رئیس‌جمهوری محترم در عرض این مدت واقف به هرگونه شنوئات اجرایی در حوزه کلان‌سازها و زیرساخت‌های ارتباطاتی و اینترنتی کشور شده است. در غیراین‌صورت وقوف به این مراتب از طریق کارگروه مذکور چندان اثربخش نخواهد بود.

این به آن معناست که اگر بر بالاترین مقام اجرائی کشور مسلم شود که سرعت اینترنت کاهش یافته، طبعاً باید دستور قطع به رفع عامل یا عوامل محدودکننده سرعت بدهند و نه اینکه کارگروهی متشکل از اعضای حقیقی و حقوقی تشکیل دهد تا به دنبال بررسی و سپس راهکارسازی و گزارش به عموم باشند. سوابق امر نشان می‌دهد وقتی کار به تشکیل «کمیته» و «کارگروه» و «ستاد» و «نهاد» و «قرارگاه» برسد، آن‌گاه محتمل خواهد بود که‌ری از مشکلات باز نشود.

بسیاری را برای دوست‌دارانش به یادگار گذاشت.

او سال‌ها پیش، پس از دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فجر در گفت‌وگویی اشاره‌ای به سال‌های حضورش در سینما داشت. انقلاب شد فکر کردم باید اینجا بمانم فکر می‌کردم اگر بمانم، نه به‌خاطر سینما و تئاتری که هنوز شروع نکرده بودم، در امور سهمی خواهم داشت. فکر می‌کردم باید کاری را شروع کنم و دقیقاً هم نمی‌دانستم چه کاری را فقط می‌دانستم که باید بمانم. آن فریماه دوست داشت قهوه را در رم بخورد. پاییزها کنار سنن قدم بزنند. در هوای مه‌آلود لندن دوستان قدیمی را ببیند. اما در تهران چیزهایی بود که مرا نگه داشت. فریماه آن سال‌ها برای من خیلی جذاب است ولی فکر می‌کنم آن فریماه خیلی عوض شده است. لذت‌هایی که آن موقع می‌بردم زیاد اما آبی بود، در عوض حالا متفکتر شده‌ام. بیشتر اوقات در خودم فرومی‌روم که اگر با ساختار فیلم همراه می‌شد، از اینکه به زیبایی‌اش لطمه‌ای وارد شود واهمه‌ای نداشت. اینکه کارگردن با او راحت بود یا خیر را باید از کارگردان‌هایی که با او کار کرده‌اند پرسید. متأسفم که دوره حضور فرجامی هم‌زمان شد با سیاست‌هایی متفاوتی که در سینما حاکم بود و او در دوره شکوفایی‌اش سرکوب شد. انگار دوره خودپراگرکی فرجامی با دوره‌ای که سیاست‌های جاری مانع از فعالیت‌های او شدند یکی شد و فرجامی را به حاشیه کشاند.

به نظر فرجامی هم از جمله بازیگران حساسی بود که منتظر نقش‌های خوب می‌ماند. نقش‌هایی که می‌توانست در آنها استعداد و توانایی‌اش را بروز دهد و ترجیح می‌داد در نقش‌های خوب ماندگار شود. از مسعود بازیگرانی بود که اگر با ساختار فیلم همراه می‌شد، از اینکه به زیبایی‌اش لطمه‌ای وارد شود واهمه‌ای نداشت. اینکه کارگردن با او راحت بود یا خیر را باید از کارگردان‌هایی که با او کار کرده‌اند پرسید. متأسفم که دوره حضور فرجامی هم‌زمان شد با سیاست‌هایی متفاوتی که در سینما حاکم بود و او در دوره شکوفایی‌اش سرکوب شد. انگار دوره خودپراگرکی فرجامی با دوره‌ای که سیاست‌های جاری مانع از فعالیت‌های او شدند یکی شد و فرجامی را به حاشیه کشاند.

بازیگری که به حاشیه کشیده شد

یاشار نورایی: فریماه فرجامی پس از حضور در فیلم‌های

«گفت ره سه نفرشان» و «خط قرمز» که توقیف شدند و

اظهارات خواننده و مسئول برگزارکننده برمی‌آید، در پی این حادثه چند نفر آسیب دیده‌اند. ضمن اینکه در ادامه این حادثه، خواننده و گروهش توانسته‌اند از محل برگزاری کنسرت خارج شوند. خواننده کنسرت و گروهش درلسنتا هستند؛ اما در همین راستا، مدیرعامل مؤسسه آوای آرشه که مسئول برگزاری این کنسرت بوده است، به ایسنا درباره این ماجرا توضیح داده و گفته است: «در حوالی ساعت ۲۳ در سانس دوم کنسرت، دو نفر از ارادل و اوپاش که چهره خود را پوشانده بودند، اقدام به ورود به سالن با قصد برهم‌زدن کنسرت کردند. در این ماجرا یک نفر از نیروهای ارشاد و یک نفر از نیروهای مؤسسه طی مقاومت از ورود این دو نفر به سالن، مجروح شدند که به‌صورت سریایی مداوا و از بیمارستان ترخیص شده‌اند.» این دو نفر قمه به دست پس از اینکه موفق به ورود به سالن نشده‌اند، با موتوری بدون پلاک از محل متواری شده‌اند.

دومین حمله به کنسرت

پیش‌ازاین نیز در جریان کنسرت گروه «لیان» عواملی به تالار وحدت هجوم برده بودند که این اتفاق با برخورد حراست و نیروهای انتظامی متوقف شد. در همان زمان وزیر فرهنگ در واکنش به این اتفاق عنوان کرده بود که اجازه نمی‌دهند در فضاهای فرهنگی و هنری عده‌ای هنجارشکنی کنند. با این کنسرت، دومین نمونه از این اتفاقات در یک بازه زمانی کوتاه است.